

ویرایش آن چه نوشته‌اید

گیتا گرکانی

می‌خواهید برسید. مواظب باشید، ویرایش را زود شروع نکنید. خیلی از نویسندگان تازه کار چند فصل اول را می‌نویسند و بعد آن‌ها را مدام ویرایش می‌کنند. این کار با تقویت کردن منتقد درون‌تان مانع بزرگی بر سر نوشته شدن متن اولیه است. اگر مطمئن نیستید این عمل جلوی خلاقیت شما را می‌گیرد از آن پرهیز کنید.

بعضی از نویسندگان دوست دارند، ضمن نوشتن اثر را تصحیح کنند. در واقع آن‌ها تا یک فصل را ویرایش نکرده باشند، نمی‌توانند به سراغ فصل بعدی بروند. همان‌طور که بعضی نویسندگان دقیقاً بر همان اساس فصل بندی اولیه یک متن را پیش می‌برند و بعضی دیگر اول فصل‌هایی را می‌نویسند که برایشان راحت‌تر است و بعد به تناسب وضع روحی و یا اطلاعاتی که گرد آورده‌اند، به نوشتن فصل‌های کتاب می‌پردازند. همان‌طور که همیشه گفته‌ام راهی را انتخاب کنید که برایتان مناسب‌تر است.

به یاد داشته باشید دست‌نوشته‌ی اولیه‌ی شما فقط برای خودتان نوشته شده و قرار نیست کسی آن را ببیند. از امتحان کردن تکنیک‌های مختلف نترسید. ممکن است داستان را از زبان اول شخص نوشته باشید، اما بعد متوجه شوید روای سوم شخص برای این قصه مناسب‌تر است. راوی را تغییر بدهید.

در مورد توصیف فضاها و کاراکترها خسیس نباشید. فضا را با همه‌ی جزئیاتی که به ذهن‌تان می‌رسد توصیف کنید و در مورد شخصیت‌های داستان هر قدر درست می‌دانید حاشیه روی کنید. بعداً می‌توانید همه‌ی قسمت‌ها اضافه را حذف کنید.

نکته‌ی مهم در مورد ویرایش این است که کار در یک مرحله انجام نمی‌شود. اگر عادت دارید روی متن پرینت گرفته شده کار کنید برای هر پرینت یا به عبارت دیگر هر نوبت ویرایش از فونت متفاوتی استفاده کنید تا ویرایش‌های متعدد با هم قاطی نشوند.

وقتی متن اولیه تمام شد نوبت به اولین ویرایش می‌رسد. در این مرحله به جزئیات ناچیزی غلط دیکته‌ای کار نداشته باشید. اثرتان را از اول تا آخر بخوانید. یادداشت بردارید. قسمت‌هایی را که باید حذف شوند، یا بخش‌هایی را که به روشن‌تر شدن نیاز دارند علامت‌گذاری کنید. می‌توانید جمله‌های نامانوس را هم علامت‌گذاری کنید اما نباید به سراغ دوباره‌نویسی بروید.

ممکن است ویرایش در نهایت کاری تخصصی محسوب شود اما هر نویسنده‌ای باید ویراستار هم باشد. شما نمی‌توانید متنی را به این امید بنویسید، یا حتی ترجمه کنید که بعداً کسی به اسم ویراستار می‌آید و همه‌ی خطاهای شما را درست می‌کند و در نهایت یک متن خوب و مناسب در اختیارتان می‌گذارد. کمک گرفتن از ویراستاری حرفه‌ای باید در آخرین مرحله و به عنوان نگاه نهایی به اثر انجام شود. قبل از آن که متنی را به دیگران ارائه بدهید باید خودتان آن قدر از فوت و فن خبر داشته باشید که بتوانید کار را به بهترین شکل ممکن به اتمام برسانید.

اولین قدم برای این که بتوانید کارتان را ویرایش کنید پذیرفتن این واقعیت است که دست‌نوشته‌ی اولیه‌ی شما فقط شروع راه است. وقتی دارید داستانی را برای اولین بار می‌نویسید، مثل این است که سفری را آغاز کرده‌اید که درباره‌ی آن چه در طی آن اتفاق خواهد افتاد چیز زیادی نمی‌دانید.

شاید در آغاز فکر کنید خیلی چیزها برایتان کاملاً روشن است: طرح داستان، شخصیت‌ها، نقاط اوج و فرود و ... اما همه‌ی این‌ها ضمن نوشتن می‌تواند تغییر کند. اولین دست‌نوشته فقط متنی در اختیارتان می‌گذارد که با کار کردن روی آن می‌توانید به آن چه



کلمات تکراری را حذف کنید،

یا کلمات هم معنی دیگری
را به جای آن‌ها بگذارید.
مگر این که از تکرار یک
کلمه یا جمله قصد خاصی
داشته باشید. مواظب باشید
این قصد خاص را تبلی به
شما دیکته نکرده باشد.





مورد "ناگهان"، هر بار از این کلمه استفاده می‌کنید مواظب باشید درست و به جا به کار رفته باشد. گاهی ناخودآگاه این کلمه را به کار می‌برید تا از زیر توضیحات منطقی و مورد نیاز داستان شانه خالی کرده باشید. مثلاً «ناگهان سقف فرو ریخت ... ناگهان دیدم توی یک خیابان است ... ناگهان ...»

ساختار داستان:

■ موقع دوباره خوانی داستان به ساختار اثر دقت کنید. قصه شما باید آن قدر دقیق و درست باشد که خواننده بتواند به راحتی داستان را دنبال کند. توضیحات طولانی را تا حد ممکن کوتاه کنید. به خصوص اگر توضیحی چند پاراگراف ادامه داشته باشد. گاهی می‌توانید برای کوتاه کردن توضیحات از چند دیالوگ کوتاه استفاده کنید.

■ مطمئن شوید شخصیت‌ها همه درست معرفی شده‌اند. اگر شخصیتی درست معرفی نشده و خواننده نمی‌داند او چه کسی است یا امکان دارد از بخش‌های قبلی قصه او را به یاد نیاید با اشاره‌ی کوتاهی این کاراکتر را دوباره به خواننده معرفی کنید.

■ برخلاف دست‌نوشته‌ی اولیه که می‌توانستید در مورد کاراکترها هر قدر می‌خواهید حرف بزنید در مرحله‌ی ویرایش هر کلمه‌ی اضافه را باید حذف کنید. شما به تمام دوران کودکی یا تاریخچه‌ی زندگی یک شخصیت نیاز ندارید. هر چه را اضافه است حذف کنید و جزئیات مورد نیاز را در لا به لای داستان بگنجانید.

■ جاهای خالی پلات داستان را پر کنید. اگر در پلات قصه‌ی شما شکاف وجود داشته باشد خواننده نمی‌تواند به شخصیت‌ها یا راوی اعتماد کند. فرض کنیم قهرمان داستان در ساختمانی با یک جسد روبرو می‌شود. این جسد چه کسی است؟ به چه دلیل کشته شده؟ این قتل در پیشبرد داستان چه قدر اهمیت دارد؟ اصلاً قهرمان داستان شما در آن ساختمان چه می‌کند؟ اگر جواب این سوال‌ها را نمی‌دانید جسد را فراموش کنید.

■ به وقایع هم زمان زیاد تکیه نکنید. وقتی این نوع وقایع در قصه زیاد شوند منطق داستان را زیر سوال می‌برند. اگر می‌خواهید از هم‌زمانی استفاده کنید برای آن‌ها دلایل منطقی پیدا کنید. به خصوص در مورد ارتباطات عاطفی و انسانی که در قصه پیش می‌آید حتماً به دنبال دلایل خوب و مناسب بگردید و گرنه خواننده به راحتی متوجه می‌شود هدف شما تنها سر و سامان دادن به ماجرای بی سر و سامان بوده.

■ برای خیلی از نویسنده‌ها متن نویسنده مثل طراحی اولیه‌ی یک تابلوی نقاشی است. برای کامل شدن یک نقاشی علاوه بر طراحی اولیه به سایه روشن‌ها و کاربرد درست رنگ و نور نیز احتیاج دارید. در نوشتن این نقش کامل کننده‌ها را کم و زیاد کردن توصیف‌ها، دیالوگ‌ها یا حتی خاطرات انجام می‌دهد.

صبور و با حوصله باشید. عجله نکنید. داستان‌تان را واقعی در اختیار دیگران بگذارید که خودتان و ویرایش‌های اولیه را انجام داده‌اید.



ویرایش را زود شروع نکنید. خیلی از نویسنده‌های تازه کار چند فصل اول را می‌نویسند و بعد آن‌ها را مدام ویرایش می‌کنند. این کار با تقویت کردن منتقد درون‌تان مانع بزرگی بر سر نوشته شدن متن اولیه است. اگر مطمئن نیستید این عمل جلوی خلاقیت شما را می‌گیرد از آن پرهیز کنید.



■ در مرحله‌ی دوم ویرایش نوبت به دوباره نویسی می‌رسد. وقتی دارید متن را دوباره نویسی می‌کنید ممکن است یک فصل یا بخش‌هایی از آن را به طور کامل حذف کنید. بعضی از صحنه‌ها یا فصل‌ها را دوباره نویسی کنید. بعضی از بخش‌های کتاب را به طور کامل جا به جا کنید.

■ بعد از این به سراغ مرحله‌ی سوم می‌روید. شاید هم کار به مراحل چهارم و پنجم هم بکشد. در این مراحل می‌توانید با دقت بیشتری کارتان را ویرایش کنید. در این قسمت ممکن است:

قسمت‌هایی را حذف کنید.

بخش‌هایی را اضافه کنید.

نظم و ساختمان جمله‌ها را تغییر بدهید.

روی قوانین دستوری بیشتر دقت کنید.

دنبال کلمه‌ها و عبارت‌های تکراری بگردید.

بخش‌هایی را گسترش بدهید.

بخش‌هایی را تصحیح کنید.

■ بعد از اتمام این‌ها می‌توانید به سراغ دیکته‌ی لغات بروید. مواظب باشید نوشته‌تان غلط دیکته‌ای یا دستوری نداشته باشد. به رسم الخط اثر دقت کنید. با توجه به انواع رسم الخط‌هایی که فعلاً در ایران رایج است یکی را که به نظرتان درست‌تر می‌آید، انتخاب کنید و در طول اثر به آن وفادار بمانید. توصیه‌ی شخصی من این انتخاب رسم الخطی است که قابل خواندن باشد و خواننده را سر در گم نکند.

■ کلمات تکراری را حذف کنید، یا کلمات هم معنی دیگری را به جای آن‌ها بگذارید. مگر این که از تکرار یک کلمه یا جمله قصد خاصی داشته باشید. مواظب باشید این قصد خاص را تنبلی به شما دیکته نکرده باشد.

■ در مورد بعضی از کلمات خیلی دقیق باشید، مثلاً در

